

نقش واحدهای ژئوپلیتیکی استانی در طراحی مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران (مطالعه موردی استان لرستان)

حیدر لطفی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

سیاوش مرادی پور^۱

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

مهدی هنردوست

دانشجوی دکترای جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱/۲۶

چکیده

اقتصاد شبکه‌ای یکی از ضروری‌ترین نیازهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی همه کشورها و جوامع امروزی محسوب می‌شود. اقتصاد شبکه‌ای مخصوصاً مدل کشوری آن می‌تواند باعث پویایی و گردش منابع اقتصادی و تکمیل اقتصاد نواحی و استان‌های کشور را فراهم آورد. هدف این مقاله تحلیل و تبیین نقش واحدهای ژئوپلیتیکی استانی در طراحی مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران با تأکید بر استان لرستان است. سؤال اصلی مقاله این است که در طراحی مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران واحدهای ژئوپلیتیکی استانی و بخصوص استان لرستان چه نقشی بر عهده دارند؟ علاوه بر این سؤال اصلی سؤالات دیگری که بیشتر فرعی هستند در این مقاله مطرح می‌شوند از جمله اینکه اقتصاد شبکه‌ای چیست و مدل تحلیل شبکه دارای چه مختصات و ویژگی‌هایی است؟ نتایج این مقاله نشان می‌دهد که برای طراحی اقتصاد شبکه‌ای در ایران بایستی به واحدهای استانی مانند نقطه‌های اتصال نگریست و از پتانسیل‌های هر استانی در راستای مشارکت آن در اقتصاد شبکه‌ای بهره گرفت. با توجه به این مقدمه در این مقاله تلاش خواهد شد با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی و پژوهشی و اسناد کلان کشور به تحلیل و تبیین نقش واحدهای ژئوپلیتیکی استانی به ویژه استان لرستان در طراحی مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران پرداخته شود.

واژگان کلیدی: ایران، لرستان، تحلیل شبکه، اقتصاد شبکه‌ای.

۱- مقدمه

در مورد محل گسترش فعالیت‌های اقتصادی، مجموعه‌ای از عوامل طبیعی، فرهنگی و اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند. محیط فرهنگی و طبیعی، شرایط منفی و مثبت برای برپایی فعالیت‌های اقتصادی ایجاد می‌کنند. گرچه فن‌آوری باعث گردیده است که انسان بر بسیاری از موانع طبیعی فائق آید، ولی هرگز نتوانسته است خود را به‌طور کامل از قید و سلطه طبیعت رها سازد. فرایند توسعه در همه ابعاد آن خصوصاً در بعد اجتماعی به معنایی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شده، در جهت مشارکت آحاد مردم در امور جامعه، پذیرش حقوق آنان و ... مطرح می‌شوند. بدین گونه توسعه اجتماعی در جهت رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز توانایی‌های بالقوه انسان‌ها گام برمی‌دارد. این موضوع بی‌تردید در جامعه امروز ایران که شاهد نمودهایی از سیر نزولی در برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستیم، اهمیتی بسزا دارد (Fallahzadeh, 2010: 21).

اصطلاح اقتصاد شبکه‌ای^۱ با الهام گرفتن از کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ»^۲ مانوئل کاستلز^۳ استاد اسپانیایی الاصل رشته برنامه‌ریزی دانشگاه برکلی کالیفرنیا انتخاب شده است. کاستلز که در محافل علمی به او لقب «استاد استادان» هم داده‌اند در جلد اول اثر سه جلدی خود به «ظهور جامعه شبکه‌ای» اشاره می‌کند و سعی دارد با ارزیابی تحولات کشورهایی که دوران فرا صنعتی را تجربه می‌کنند نظیر کشورهای عضو گروه هفت ایالات متحده آمریکا، ژاپن، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا و انگلیس به تحلیل آینده‌نگرانه تحولات اقتصادی، جامعه شناختی و فرهنگی دنیای فردا بپردازد. با این رویکرد، پرداختن به جایگاه ایران در اقتصاد آینده که به عقیده صاحب‌نظران آینده‌نگر اقتصاد روی شبکه‌ها خواهد بود از این حیث که ایران نمی‌خواهد «بازیچه» باشد بلکه درصدد «بازیگری» است، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. اگرچه در سال‌های اخیر اقتصاد ایران درصدد انطباق خود با معیارهای جهان آینده است و سعی دارد با کمترین چالش نسخه‌های سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی نظیر بانک جهانی، صندوق بین‌المللی پول، سازمان جهانی کار و ... را پذیرفته و آن‌ها را به مرحله اجرا گذارد بلکه بتواند به عضویت سازمان تجارت جهانی درآید، اما آنچه اکنون اقتصاد ایران به آن نظر دارد نه از روی «انتخاب آزاد، بلکه انتخاب از روی اجبار» است و «پیوند با اقتصاد جهانی» اگر هدف برنامه چهارم و افق ۱۰ ساله آینده باشد، نمی‌توان با ساختار سنتی فعلی «بازیگر فعال» بود، مگر اینکه «ساختار شکنی» در دستور کار قرار گیرد (Madad Pour, 2004: 26-41).

جدول شماره ۱- مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاد جهانی برای مردم ایران

۱- شهروندان ایران آمادگی ذهنی ندارند و شناخت آن‌ها از جهان آینده معرفتی ناقص توأم با توسل است (از حیث بدنه اجتماعی)
۲- تصمیم‌گیرندگان هنوز تردید دارند و ساختار تصمیم‌گیری قابلیت انعطاف‌پذیری لازم برای زنده ماندن و نباختن بازی را ندارد و روحیه ترجیح حفظ وضع موجود بر اصلاح ساختار اقتصادی به دلیل شکل‌گیری تفکرات مدیریت اقتصادی از اقتصاد دولتی همچنان پابرجاست (از حیث بدنه حاکم).
۳- ساختار اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران به دلیل تحولات تاریخی هنوز اقتدارگرایانه و میل به رویکرد عمودی دارد و کمتر مشارکت‌پذیر است.
۴- احساسات سیاسی کماکان بر عقلانیت سیاسی غلبه دارد و اقتصاد ایران از این مسئله رنج می‌برد.

Source: (<http://www.bashgah.net>)

جامعه ایران در سال‌های گذشته تحولات ساختاری همه‌جانبه‌ای را تجربه کرده است. این تحولات، دگرگونی در سازوکارهای اداره جامعه را الزامی ساخته است. هرچند پیشرفت‌های فراوانی در همه عرصه‌ها داشته‌ایم و نرخ رشد

¹. Network economy

². The Information Age: Economy, Society and Culture

³. Manuel Castells

برخی از شاخص‌ها را می‌توان دلگرم‌کننده و نشان‌دهنده چشم‌اندازی روشن از روند توسعه انسانی و اجتماعی در کشور دانست، اما نکته مهم این است که از یک سو سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف کم‌تر است و از سوی دیگر به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین استان‌ها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد. نامتوازن بودن شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، محرومیت چندلایه افراد را در جامعه به نمایش می‌گذارد و تا اندازه زیادی موجبات اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین دهک جامعه را فراهم می‌نماید (Kalantary kashy, 2002: 3-9).

با مراجعه به منابع آماری مرکز آمار ایران و بانک مرکزی می‌توان گفت که در اغلب موارد استان‌هایی که از توزیع مناسب امکانات و برخورداری بالاتر در شاخص‌های اقتصادی بهره‌مند هستند، درزمینه شاخص‌های اجتماعی مانند نرخ باسوادی و نرخ بیکاری نیز وضعیت مناسب‌تری دارند. استان‌های با درجه توسعه بالاتر در شاخص‌هایی که بیانگر پیامدهای نابرابری فضائی است، برخورداری بیشتری دارند؛ برای نمونه استان‌هایی مانند اصفهان، یزد و سمنان که توسعه‌یافته‌ترند، نرخ بیکاری پائین‌تر و نرخ باسوادی بالاتری را دارا می‌باشند (Taghavi, 2003: 13-70).

جدول شماره ۲- پیامد برخی از نابرابری‌های اجتماعی و فضایی در استان‌های کشور

مهاجرت‌های گسترده و بازنگشتن دانش‌آموختگان به زادگاه‌های محروم خود،
همچنین افرادی که از مناطق محروم به استان‌های برخوردار مهاجرت کرده‌اند، از سطح تحصیلات و مهارت بالایی برخوردار بوده‌اند که اینجا می‌توان این فرض را مطرح نمود که این نیروهای کوچیده، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند.
همچنین عدم توجه به سرمایه اجتماعی در برخی مناطق و حتی در سطوح ملی، مانع از ایجاد جو اعتماد دو جانبه گردیده و منجر به اتلاف نیروی انسانی و انرژی اجتماعی شده که در این رابطه می‌توان برای نمونه به عدم پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی اشاره نمود. در سایه نابرابری‌های اجتماعی در اثر توزیع نابرابر منابع نمی‌توان مسیر توسعه پایدار و توسعه پایدار اجتماعی را طی نمود.

Source: (Mahdavi and barkhordari According to the Sydayy et al., 2009)

۲- رویکرد نظری: نظریه تحلیل شبکه اجتماعی^۱

در ادبیات جامعه‌شناسی تحلیل شبکه^۲ چیزی فراتر از نوعی روش با مجموعه‌ای از فنون و ابزار تحلیلی است و یک ابزار فکری اساسی در مطالعه ساخت‌های اجتماعی است. شبکه اجتماعی عبارت است از گروهی از مردم یا سازمان‌ها و یا سایر هویت‌ها که به وسیله روابطی اجتماعی مانند دوستی، همکاری و یا مبادله اطلاعات به هم وصل هستند.

یکی از مسائل مهمی که همواره در جامعه‌شناسی مورد توجه بوده بررسی الگوهای روابط عناصر در سطوح مختلف جامعه است: روابط بین مردم، نهادها، سازمان‌ها، دولت‌ها و غیره. تحلیل شبکه اجتماعی با هدف تحلیل این روابط از دهه ۱۹۴۰ میلادی در انسان‌شناسی باب شد و مورد استفاده قرار گرفت و بعدها در جامعه‌شناسی آمریکایی و کانادایی تکامل و توسعه یافت.

در چارچوب این نظریه برای توضیح سازمان‌دهی اجتماعی نباید از محرک‌های درونی یا نیروهای خارجی انتزاعی استفاده کرد، بلکه می‌توان ساختار روابطی را که محدود کننده یا توانا کننده هستند مورد بررسی قرار داد. ریشه‌های این نظریه به تحقیقات اولیه جامعه‌شناسان مانند آثار دورکیم در زمینه انسجام اجتماعی یا مطالعات انسان‌شناختی می‌-

¹. Network analysis is a method that has been developed within modern sociology for the study of relationships among individuals or other social entities, such as organizations.

². Social Network Analysis

رسد هرچند حضور و استفاده از آن به عنوان مجموعه‌ای از دیدگاه‌ها، قواعد و ابزار تحقیقی منسجم نسبتاً تازه و در حال تکامل است (Pour ahmad and Valibegi Darvishvand, 2010: 70).

ولمن و برکوویتز^۱ در کتاب خود تا حدودی تحلیل شبکه و تحلیل ساختاری را مترادف در نظر می‌گیرند و معتقدند که ساختارگرایی^۲ باعث ایجاد تغییرات زیادی در جامعه‌شناسی در جهت دور شدن از سنت‌های فلسفی و روان‌شناختی شده است. البته آن‌ها بیان می‌کنند که تحلیل شبکه از جهات زیادی با ساختارگرایی غالب جامعه‌شناسی (نگاه اشتراوسی^۳) متفاوت است. در این نگاه ساختارها چیزهایی ورای افراد یا ساخت‌های ذهنی یا فرهنگی نیستند، بلکه ساختار چیزی عینی و قابل مشاهده در روابط بین افراد جامعه است. این نوع نگاه به ساختار آن‌ها را تا حدودی از جامعه‌شناسی کلان دور و به جامعه‌شناسی خرد نزدیک می‌کند، هرچند که با نگاه خردبینانه (مانند نظریه کنش متقابل) و روان‌شناسانه به جامعه نیز خودداری می‌کنند و معتقدند این کار را باید به روان‌شناسی واگذار کرد. از دیدگاه تحلیل شبکه، جزء اصلی ساخت اجتماعی نوعی گروه در حال کارکرد است که با شبکه تعاملی خود در زمان و مکان جاری است. چرا که این نوع واحدها هستند که عینیت دارند و حائز نوعی منزلت هستی‌شناختی هستند. با اینکه این نظریه با نظریه‌های دیگر مانند ساختارگرایی، نظریات زیمل در مورد فرم و محتوا، نظریه مبادله (معادل منابع و جریان آن در شبکه‌ها - گرانووتر، لین) نظریات دورکیم در مورد انسجام اجتماعی، نظریات کنش پارسونز، نظریه نظام جهانی والرشاین، نظریات گروه‌ها و اجتماعات و... نزدیکی زیادی دارد، تفاوت اساسی‌اش با همه این نظریه‌ها تأکید آن بر تحقیق تجربی واقعیت جامعه، که همان روابط بین افراد است، است. به نظر ریتزر در زمینه پیوندهای این نظریه با جریان اصلی جامعه‌شناسی باید گفت که نظریه پردازان شبکه به فلسفه پردازی درباره ساختارها چندان علاقه‌ای ندارند، بلکه بیشتر به بررسی دقیق تجربی، روش‌شناختی و حتی ریاضیاتی انواع شبکه‌ها علاقه‌مندند (Kangarani, Mohammadi et al., 2011: 164).

تحلیل شبکه اجتماعی الگوهای روابط میان مردم، سازمان‌ها، دولت‌ها و سایر هویت‌های اجتماعی را بررسی می‌کند. یک شبکه اجتماعی عبارت است از ساختاری اجتماعی متشکل از افراد که در اصطلاح این نظریه گره نامیده می‌شوند و به‌وسیله‌ی یک یا چند نوع خاص با هم وابستگی متقابل دارند (دوستی‌ها، خویشاوندی، علایق مشترک، تنفرها و نیز باورها).

به طور کلی مهم‌ترین مفروضات نظریه تحلیل شبکه اجتماعی عبارت‌اند از:

- ۱- بازیگران و اعمال آن‌ها با هم وابستگی متقابل دارند و واحدهای خودمختار و مستقل نیستند.
- ۲- ارتباطات بین کنشگران مجراهایی برای انتقال و جریان یافتن منابع (مادی و غیر مادی) هستند
- ۳- مدل‌های مختلف شبکه ساختارها را مفهوم سازی می‌کنند (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ...) به عنوان الگوهای ارتباطی گذشته میان کنشگران.

¹. Barry Wellman, S. D. Berkowitz

². Structuralism

³. Leo Strauss

بنابراین رویکرد تحلیل شبکه اجتماعی بر مطالعه تعاملات میان کنشگران اجتماعی تمرکز دارد. این کنشگران می‌توانند انسان‌ها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، کشورها و موارد متعدد دیگر باشند. بنیان رویکرد شبکه اجتماعی در این ایده اولیه نهفته است که الگوهای ارتباطات در بین کنشگران اجتماعی پیامدهای مهمی برای آن کنشگران دارد؛ بنابراین، تحلیلگران شبکه، به دنبال آشکارسازی گونه‌های این الگوها و سپس شناسایی شرایط ایجاد آن‌ها و همچنین بررسی پیامدهای آن‌ها می‌باشند. در مطالعه شبکه‌های اجتماعی، خواه واقعی و یا مجازی این الگوها، شرایط ایجاد آن‌ها و پیامدهای آن‌ها را می‌توان در سه سطح مورد بررسی قرار داد:

در سطح اول، به دنبال بررسی این هستیم که چه کسی با چه کسی یا کسانی ارتباط دارد؟ پاسخ این سؤال الگوی ارتباطات میان کنشگران اجتماعی حاضر در شبکه اجتماعی را آشکار کرده است.

در سطح دوم به دنبال بررسی دلایل و نیز انگیزش‌ها و محتوایی هستیم که در این ارتباطات رد و بدل می‌شود. بنابراین سطح دوم به شناخت شرایطی که این الگوهای خاص ارتباطی را ایجاد کرده و تداوم بخشیده‌اند، کمک می‌رساند.

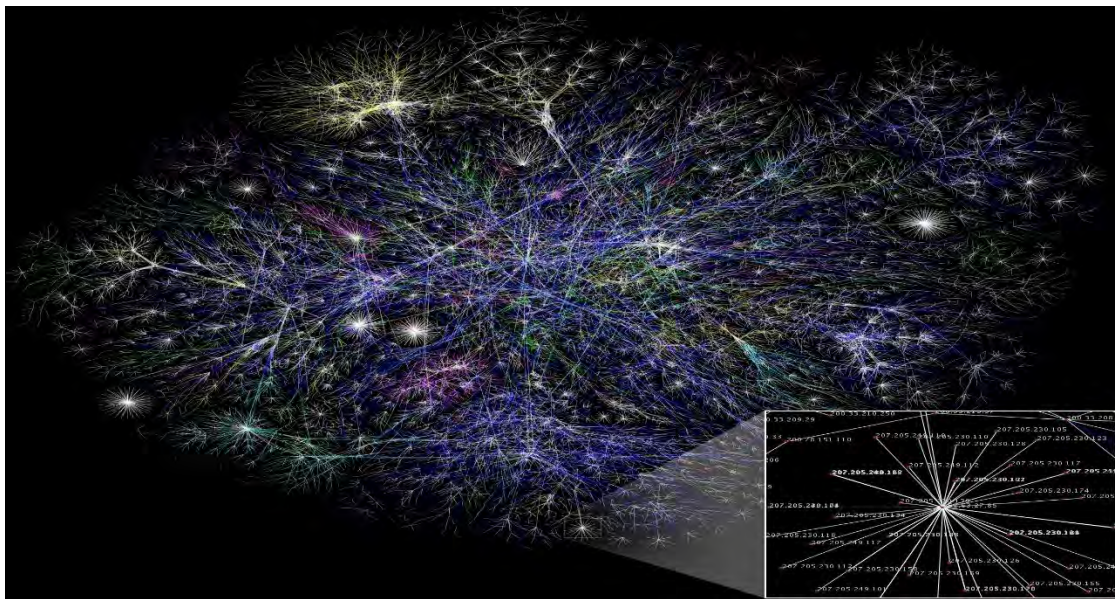
در سطح سوم به مطالعه پیامدهای این ارتباطات که الگوی آن‌ها در سطح اول و نیز محتوای آن‌ها در سطح دوم مطالعه شد، پرداخته و به دنبال پاسخگویی به این سؤال هستیم که ارتباطات پیش گفته، چه تأثیراتی بر واقعیت بیرونی داشته و چه تغییراتی را در اوضاع و احوال اجتماعی ایجاد می‌کنند.

جامعه‌شناسان در واقع تحلیل شبکه و ساختگرایی را کم و بیش مترادف یکدیگر قلمداد کرده و معتقدند که گسترش ساختگرایی در رشته‌های علمی نوعی جنبش علمی در جهت دور شدن از سنت ارسطویی است که طی آن چیزها را بر اساس خواص ماهویی اجزاء منفرد آن‌ها مطالعه می‌کنند. جامعه‌شناسان معتقد به رویکرد شبکه‌ای جامعه را ساخت مند تعریف می‌کنند.

بیتر و پیکاک ساخت اجتماعی را این‌گونه تعریف می‌کنند؛

ساخت اجتماعی تشکیل شده از اجزاء یا واحدهایی که به وسیله‌ی روابطی مشخص به هم پیوند خورده‌اند، روابطی که آن‌ها را به طور مستقیم و غیرمستقیم زیر شبکه‌ها و فرا شبکه‌ها متصل می‌کند فرا شبکه‌هایی که در مقیاس مرتبط بالا رونده، واحدهایی بزرگ‌تر و بزرگ‌تر را تا سطح جامعه تشکیل می‌دهند. شبکه‌های تعاملی اجزاء جامعه را تشکیل می‌دهند (Nastaran et al., 2013: 160).

ساخت جامعه تشکیل شده از سازمان‌ها و گروه‌های در حال کارکرد مانند خانواده‌ها، گروه‌های کاری، مؤسسات اقتصادی، اتحادیه‌های کارگری، احزاب سیاسی، دستجات، مدارس، دسته‌های دوستی و غیره که از طریق شبکه‌های روابط در جهت تشکیل ساختارهای پیچیده‌تری در هم تنیده‌اند. ساخت جامعه از مقوله‌هایی از مردم تشکیل نشده همان طوری که ارگانیسم‌ها از مقوله‌هایی از ارگان‌ها یا ماشین‌ها از مقوله‌هایی از اجزاء یا ملکول‌ها از مقوله‌هایی از اتم‌ها تشکیل نشده‌اند. ارگانیسم‌ها از ارتباط ارگان‌های خاص و ماشین‌ها از ارتباط اجزای خاص تشکیل شده‌اند- (Nasiri and Ahmedi, 2014: 41-56).



نمودار شماره ۱ - مدل نظریه تحلیل شبکه اجتماعی

Source: (<http://www.leonidzhukov.net>)

۱-۲- چستی شبکه‌سازی

شبکه اجتماعی ساختاری اجتماعی است که از گره‌هایی (که عموماً فردی یا سازمانی هستند) تشکیل شده است که توسط یک یا چند نوع خاص از وابستگی - مانند ایده‌ها و تبادلات مالی، دوستی‌ها، خویشاوندی، لینک‌های وب، سرایت بیماری‌ها (اپیدمولوژی) - به هم متصل‌اند. ارتباطات و شبکه‌سازی نقش کلیدی‌ای در موفقیت انسان‌ها بازی می‌کنند. هنگامی یک شبکه ایجاد می‌شود که دو یا چند نفر به یکدیگر متصل شوند به نحوی که قادر به برقراری ارتباط با یکدیگر باشند. هدف اصلی شبکه نیز برقراری ارتباط و اشتراک منابع است؛ یعنی ما شبکه را به وجود می‌آوریم تا بتوانیم با یکدیگر ارتباط برقرار کنیم و پس از برقراری ارتباط منابع خود را به اشتراک بگذاریم (Semsar et al., 2015: 20-63).

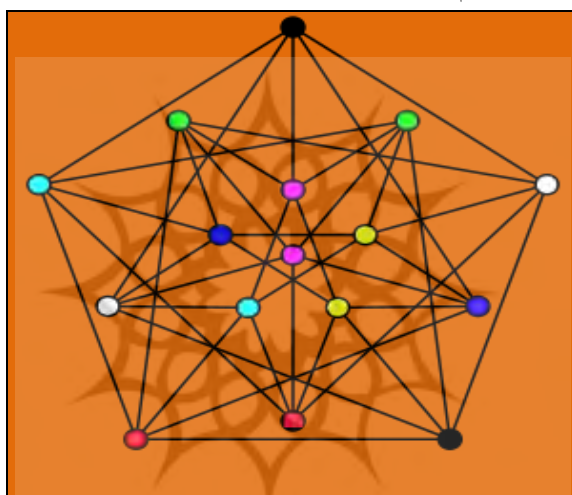
شبکه دارای تعاریف متعددی است. لکن اکثر قریب به اتفاق مردم معتقدند که شبکه مجموعه‌ای است متشکل از دو یا چند نفر مرتبط به هم به نحوی که اعضای شبکه می‌توانند از طریق ارتباطات رودرو و باواسطه با هم ارتباط برقرار کنند.

به صورت ریاضی، شبکه اجتماعی یک گراف است که در آن هر شرکت کننده در شبکه یک کنشگر خوانده می‌شود و با یک گره در شبکه نمایش داده می‌شود. کنشگرها می‌توانند انسان‌ها، سازمان‌ها، گروه‌ها یا هر مجموعه دیگری از موجودیت‌های مرتبط با هم باشند. ارتباطات میان کنشگرها به وسیله پیوند میان گره‌های متناظر نمایش داده می‌شود. با استفاده از تحلیل شبکه، می‌توانید مجموعه‌های پیچیده‌ای از روابط را به مثابه‌ی نقشه‌هایی (گراف یا نگاره‌های گروهی) از سمبل‌های متصل تجسم کنید و سنجه‌های دقیق اندازه شکل و تراکم شبکه را به مثابه‌ی یک کل و موقعیت هر عنصر را درون آن محاسبه نمایید. تحلیل شبکه اجتماعی به شما کمک می‌کند الگوهای موجود درون مجموعه‌های نهادهای مرتبط را که شامل مردم هستند، تجسم و بررسی کنید (Ibid, 2015: 20-63).

تمرکز تحلیل شبکه اجتماعی، میان و نه درون مردم است. در حالی که در روش‌های قدیمی‌تر تحقیق علوم اجتماعی مانند پیمایش‌ها، بر افراد و ویژگی‌های‌شان (مثل جنسیت، سن و درآمد) تمرکز می‌کند، تحلیلگران شبکه نه تنها بر کیفیت‌ها و توانایی‌های درون آن‌ها تمرکز دارند بلکه توجه ویژه‌ای بر پیوندهایی که افراد را به هم متصل می‌کنند، نیز دارند.

تحلیل شبکه اجتماعی به دنبال تحلیل روابط و ارتباطات در شبکه‌های اجتماعی است و اصلاً به تحلیل محتوا، متون و سایر عوامل در شبکه نمی‌پردازد بلکه تنها ارتباطات و روابط را در شبکه بررسی می‌کند تا مفاهیم علوم اجتماعی را در آن بسنجد.

تحلیل شبکه اجتماعی به محقق این امکان را می‌دهد تا مفاهیم مختلف علوم اجتماعی از جمله سرمایه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، روابط اجتماعی، هم‌ریختی اجتماعی و غیره را در شبکه‌های اجتماعی از طریق فرمول‌های نرم‌افزاری موجود بسنجد یا خود آن مفهوم را به فرمول تبدیل کند و در شبکه مورد آزمایش قرار دهد.



نمودار شماره ۲- روابط اجتماعی شبکه‌ای

Source: (www.ams.org)

تحلیل شبکه‌های اجتماعی روابط اجتماعی را با اصطلاحات رأس و یال می‌نگرد. رأس‌ها بازیگران فردی درون شبکه‌ها هستند و یال‌ها روابط میان این بازیگران هستند. انواع زیادی از یال‌ها می‌تواند میان رأس‌ها وجود داشته باشد. نتایج تحقیقات مختلف بیانگر آن است که می‌توان از ظرفیت شبکه‌های اجتماعی در بسیاری از سطوح فردی و اجتماعی به منظور شناسایی مسائل و تعیین راه حل آن‌ها، برقراری روابط اجتماعی، اداره امور تشکیلاتی، سیاست‌گذاری و رهنمون سازی افراد در مسیر دستیابی به اهداف استفاده کرد (Qavanloo Qajar, 2015: 131-).

۳- جامعه شبکه‌ای و اقتصاد شبکه‌ای

اصطلاح «اقتصاد شبکه‌ای» با الهام گرفتن از کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ» مانوئل کاستلز^۱ استاد اسپانیایی الاصل رشته برنامه‌ریزی دانشگاه برکلی کالیفرنیا انتخاب شده است. مانوئل کاستلز در اثر خود در مقام تشریح «ظهور جامعه شبکه‌ای» به مفهوم «اقتصاد اطلاعاتی» اشاره و تصریح می‌کند.

^۱. Manuel Castells

در اقتصاد اطلاعاتی، بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی و کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، اطلاعات و تکنولوژی لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله تکنولوژی مدیریت و مدیریت تکنولوژی تکیه دارد. او در عین حال تأکید می‌کند؛ این نوع از اقتصاد فراصنعتی در مقایسه با اقتصاد دوران صنعتی، اگر با وضع مقررات و قوانین مقید و محدود نشود، از قابلیت طرد و دفع و به حاشیه راندن بیشتری برخوردار است (Jahangard, 2007: 185-214).

گزاره دیگری که در کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ» معرفی می‌شود «تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال» است و از این جهت، روابط کاری که در گذشته در ساختارهای گسترده صنعتی یا اداری بین کارگر و کارفرما یا رئیس و مرئوس برقرار بود جای خود را به روابط به مراتب قابل انعطاف‌تر در محدوده‌های با حجم کوچک‌تر از حیث شمار افراد تحت اشتغال داده و کارمندان و کارگران برخلاف گذشته قراردادهای استخدام مادام‌العمر امضا نمی‌کنند بلکه شیوه‌های خوداشتغالی، کار پاره وقت و اشتغال برای یک دوره موقت رواج می‌یابد. به این ترتیب شرکت‌های بزرگ در عین کاهش افراد تحت استخدام خود، به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرح‌ها به شرکت‌های کوچک‌تر روی می‌آورند که در این شرایط هرچند در میزان بیکاری، به طور کلی، تغییر محسوسی صورت نپذیرفته، اما نگرانی افراد از آینده شغلی خود و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، رشد می‌یابد (NickNia, 2015: 237-249).

سرانجام این که کاستلز «ظهور قطب‌های متقابل» در آینده را یادآوری می‌کند که به گفته او فرایند جهانی شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصادی موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی نظیر اتحادیه‌های کارگری و یا دولت رفاه می‌شود. این تحولات تقابل میان آن‌هایی که به اطلاعات دسترسی دارند و توان بهره‌مندی از آن را دارند و کسانی که چنین موقعیتی ندارند افزایش داده و در افراطی‌ترین شکل خود به ظهور گروه‌های بزرگ از افراد کاملاً به حاشیه رانده شده و طرد شده از جامعه اطلاعاتی منجر می‌شود (NickNia, 2015: 237-249).

فعالیت اقتصادی شبکه‌ای به عنوان مشخصه فعالیت اقتصادی جهانی به باور کاستلز، نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که به تدریج منطق خاص خود را گسترش می‌دهد و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا می‌کند که شامل بخش‌هایی از شرکت‌ها و مؤسسات و بنگاه‌های مختلف بوده و یا از رهگذر تقسیمات درونی در یک بنگاه بزرگ پدید می‌آید و نمونه‌هایی از این شبکه‌ها، شرکت‌های چندملیتی، اتحاد استراتژیک میان مؤسسات بزرگ و شبکه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، ارتباطات میان بنگاه‌های خصوصی و حتی شبکه‌های تولید و توزیع مواد مخدر و کالاهای قاچاق و شبکه‌های اقتصادی دولتی را شامل می‌شود.

در یک فضای کارآفرینانه، اشخاص به شناسایی فرصت‌ها و بسیج منابع و امکانات برای استفاده از این فرصت‌ها می‌پردازند. اشخاص برای موفق شدن در بازار رقابتی احتیاج به اطلاعات، منابع، شناخته شدن توسط دیگران و ... دارند، از این رو، ارتباطات با دیگران و یا شبکه‌ها را می‌توان یکی از ابزارهای اصلی کارآفرینان دانست که می‌توانند به واسطه‌ی آن، این نیازها را مرتفع کنند (Coleman, 2008: 84-102).

شبکه‌های ارتباطی نقش اساسی در نوآوری شرکت‌ها، نتایج شغلی و حرفه‌ای، مدیران و متخصصان ایفا می‌کنند. به طوری که این افراد، هر چه قدر مهارت اجتماعی و ارتباطی بیشتری داشته باشند، موفقیت مالی بیشتری به دست می‌آورند.

به دیگر سخن، یکی از ویژگی‌های مدیران موفق، مهارت و رفتار شبکه‌سازی است. شبکه‌سازی را می‌توان نوعی رفتار دانست که متشکل از یک سری رفتارهای به هم مرتبط بوده و به صورت پیوسته توسط اشخاص انجام می‌شود.

بت جارگل^۱ شبکه‌سازی را یک سری راهبردهای اجتماعی، شیوه‌ها و بسیج منابع در شبکه‌ها می‌داند. بر این اساس، رفتار شبکه‌سازی را می‌توان ایجاد، حفظ و استفاده از روابط برای تسهیل فعالیت‌های مرتبط با شغل و پیشه‌ی اشخاص و بیشینه کردن مزایای آن دانست. میزان شبکه‌سازی به کمک این مفهوم که معمولاً اشخاص چه اندازه رفتار شبکه‌سازی دارند، سنجیده می‌شود؛ مواردی همچون بحث و گفت و گو در مورد موضوع‌های تجاری خارج از ساعات کاری، استفاده از ارتباطات و شبکه‌ها برای مشورت در امور مختلف شغلی، معرفی خود به همکاران در کنفرانس‌ها و جلسات و غیره. به زعم کادوشین^۲ یک فرد شبکه ساز، فردی باهوش و مطلع از روش‌های توسعه و بازنگری شبکه‌اش است (Coleman, 2008: 84-102).

برخی از محققان داشتن مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی برخی کارآفرینان را دلیل موفقیت آنان در راه اندازی کسب و کارشان نسبت به دیگر کارآفرینان می‌دانند و معتقداند که درجه‌ی بالایی از سرمایه‌ی اجتماعی، حسن شهرت، تجربه‌ی قبلی مرتبط و ارتباطات شخصی، معمولاً به کارآفرینان کمک می‌کند تا به سرمایه‌گذاران، مشتریان بالقوه و دیگر اشخاص دسترسی پیدا کنند (MadadPour, 2004: 26-41).

۴- اقتصاد ایران

جلیل روشندل عوامل قدرت ملی را این گونه شرح بر می‌شمارد: عوامل جغرافیایی شامل: آب‌وهوا، موقعیت سرزمینی، وسعت، مواد خام و منابع طبیعی. عوامل انسانی شامل: میزان جمعیت، ترکیب جمعیت، کیفیت جمعیت، نیروی انسانی صنعتی. عوامل فرهنگی شامل: میراث فرهنگی، وحدت ملی و ایدئولوژی، ساختار حکومت، شامل: شکل سیاسی حکومت و کارایی حکومت (Pourmanafi and MofakhamShahristani, 2016: 161-186).

در حال حاضر، اقتصاد ایران، اقتصادی درون‌گرا با ساختار دولتی است که کارایی لازم را ندارد و برای نجات اقتصاد کشور از این حالت، می‌باید سهم بخش خصوصی در تأمین منابع افزایش و سهم نفت در تأمین منابع کاهش یابد. این مسأله یکی از امور حیاتی اقتصاد کشور است و متأسفانه اقدام جدی برای حل این معضل از طرف دولت به عمل نیامده، بلکه برعکس، شواهد مبین آن است که ساختار اقتصاد دولتی و تزریق درآمد ارزی نفت برای تأمین منابع داخلی، به پیچیده‌تر شدن مشکلات در اقتصاد ایران دامن زده و این امر مانع وصول کشور به رشد اقتصادی مطلوب است. متوسط رشد اقتصادی در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه سالانه تقریباً ۶ درصد است و جمهوری اسلامی ایران نیز برای تحقق رشد ۶ درصدی در اقتصاد خود، نیازمند ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری

¹. Batdorj Batjargal of National University of Mongolia

². Charles Kadushin is one of the founders of the social network field

جدید در بخش‌های مختلف اقتصادی است. نیمی از مبلغ مذکور باید از محل درآمدهای نفتی تأمین شود و بقیه نیز از محل کاهش نیازهای ارزی بخش‌های مختلف اقتصاد، کاهش مصرف انرژی در داخل و افزایش بهره‌وری. اگر اقدامات عملی برای تغییر رویه فعلی به عمل نیاید و روند کنونی اقتصاد کشور حفظ شود، پیش‌بینی می‌شود که در سال ۸۵ میزان تورم بیش از ۳۰ درصد خواهد بود و تعداد بیکاران هم به ۹ میلیون نفر خواهد رسید (Alizadeh, 2002: 66-68).

رشد و توسعه آینده مناطق یک کشور از مهم‌ترین مسائلی است که برنامه ریزان و سیاست‌گذاران دولتی باید به آن توجه داشته باشند. به این منظور شناخت استراتژی‌های توسعه‌ای مناسب حائز اهمیت فراوانی است. در نتیجه، برنامه ریزان محلی باید قدرت و ضعف اقتصاد محلی را بشناسند.

در بخش کشاورزی استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان، مازندران، هرمزگان در حوزه فعالیت بالقوه برای رشد استان قرار دارند و به دلیل اینکه دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت هستند، این فعالیت به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، مرکزی، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار دارند؛ به عبارت دیگر بیان‌کننده آن است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش کشاورزی می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. در بخش صنعت، استان‌های اصفهان، ایلام، بوشهر، تهران، فارس، قزوین، کردستان، کرمان، کهگیلویه و بویراحمد، مازندران، مرکزی و هرمزگان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار دارند و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها حاکی از مزیت نسبی آن‌ها در بخش صنعت است (Alizadeh, 2002: 66-68).

استان‌های آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل، چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، خوزستان، زنجان، سمنان، سیستان و بلوچستان، قم، کرمانشاه، گلستان، گیلان، لرستان، همدان و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی در بخش صنعت قرار دارند و اثر بخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است. در بخش ساختمان استان بوشهر در حوزه مزیت بالقوه برای رشد قرار دارد. ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت این فعالیت باعث شده که این بخش به‌عنوان محرک رشد اقتصادی استان بوشهر محسوب شود. استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، تهران، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، قم، کردستان، گلستان، گیلان، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت برنده اقتصادی قرار داشته و جزء سهم رقابتی مثبت این بخش در این استان‌ها بیانگر مزیت نسبی استان‌ها در این بخش است (نادری و جهانگرد، ۱۳۹۱: ۵۱ - ۸۶).

استان‌های آذربایجان شرقی، اصفهان، ایلام، چهارمحال و بختیاری، خوزستان، سمنان، سیستان و بلوچستان، فارس، قزوین، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، مازندران، مرکزی و یزد در حوزه فعالیت بازنده اقتصادی قرار داشته و سهم رقابتی و اثربخشی منفی این استان‌ها نشان می‌دهد که اقتصاد منطقه سهم خود را در این بخش نسبت به سایر مناطق از دست داده است. در بخش خدمات استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، اصفهان، ایلام، بوشهر،

چهارمحال و بختیاری، خراسان جنوبی، خراسان رضوی، خراسان شمالی، زنجان، سمنان، فارس، قزوین، قم، کردستان، گلستان، مازندران، مرکزی، هرمزگان و همدان در حوزه فعالیت مزیت بالقوه برای رشد قرار دارند و به دلیل اینکه دارای ساختار صنعتی و منطقه‌ای و نرخ رشد مثبت است، این فعالیت به عنوان محرک رشد اقتصادی استان‌ها محسوب می‌شود. استان‌های آذربایجان شرقی، تهران، خوزستان، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه، کهگیلویه و بویراحمد، گیلان، لرستان و یزد در حوزه فعالیت بازنده مختلط اقتصادی قرار دارند؛ به عبارت دیگر بیان‌کننده این است که این استان‌ها در حال از دست دادن مزیت نسبی خود در بخش خدمات می‌باشند که این بخش در چشم‌انداز رشد این استان‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است (Naderi and Jahangard, 2012: 51-86).

از نظر فعالیت پایه‌ای اکثر استان‌ها به جز استان‌های اصفهان، بوشهر، تهران، سمنان و قم، سایر آن‌ها در بخش کشاورزی دارای فعالیت پایه‌ای بوده و این بخش (کشاورزی) در جهت مزیت رقابتی استان‌ها حرکت کرده است. بخش صنعت فقط در ۹ استان آذربایجان شرقی، اصفهان، تهران، زنجان، سمنان، قزوین، قم، مرکزی و یزد فعالیت پایه‌ای محسوب شده و در جهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده، در استان خوزستان این بخش به سطح خودکفایی رسیده و در سایر استان‌ها به ویژه استان بوشهر که قطب صنعتی کشور محسوب می‌شود و این بخش می‌تواند نقش مؤثری در رشد و توسعه این استان ایفا کند هنوز این بخش حتی به سطح خودکفایی هم نرسیده است.

در بخش ساختمان استان‌های آذربایجان غربی، اردبیل، بوشهر، چهارمحال و بختیاری، خراسان رضوی، خراسان شمالی، فارس، قم، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، گلستان، لرستان، همدان و یزد، دارای فعالیت پایه‌ای بوده و صادرکننده نیروی کار خود به نفع بخش‌هایی می‌باشند که با کمبود شاغل مواجه‌اند. بخش خدمات در استان‌های بوشهر، تهران، خوزستان، سمنان، فارس، قم، کرمانشاه و هرمزگان فعالیت پایه‌ای محسوب شده و این بخش در جهت مزیت رقابتی این استان‌ها حرکت کرده است. ضرایب مکانی سایر استان‌ها در بخش خدمات حاکی از این است که این بخش در آن‌ها هنوز به سطح خودکفایی نرسیده و متقاضی نیروی کار بیشتری است (Hajjarian and Ghanbari, 2016: 115-144).

۵- استان لرستان

لرستان از شمال به استان‌های مرکزی و همدان، از شرق به استان اصفهان، از جنوب شرقی به چهارمحال و بختیاری، از جنوب به استان خوزستان و از غرب به استان کرمانشاه و ایلام محدود است:

آب‌وهوای لرستان بسیار متنوع است. بخش‌های مرتفع شمالی آن دارای آب و هوای سرد کوهستانی است و شهرهای ازنا، الیگودرز، الشتر و نورآباد را شامل می‌شود. در این ناحیه زمستان‌های سرد و پربرف و تابستان‌های معتدل دیده می‌شود. آب‌وهوای نواحی جنوبی لرستان که شهر پل‌دختر در محدوده آن واقع شده، کم‌ارتفاع، کم‌باران و دارای تابستان‌های بسیار گرم است. بخش‌های مرکزی این استان از قبیل شهرهای خرم‌آباد، بروجرد و بخش چگنی آب و هوای معتدل دارند (Fanni et al., 2014: 111-132).

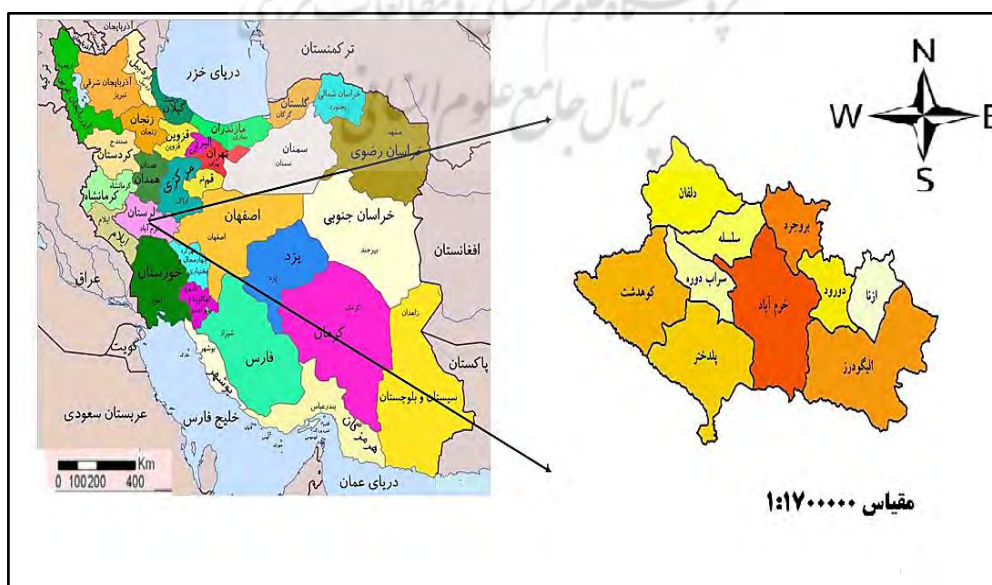
استان لرستان سرزمینی کوهستانی است که در محدوده میانی کوه‌های زاگرس واقع شده است. کوه‌های زاگرس غالباً از رسوبات آهکی تشکیل شده است و در آن غارهای فراوانی به چشم می‌خورد. غار تمند و غار بز نوید در اطراف الیگودرز، غارهای سفیدکوه در اطراف خرم‌آباد، غار منو در اطراف دو رود و غار سراب سفید در حوالی بروجرد از این

جمله‌اند. غار دوشه در بالای کوه دوشه در بخش چگنی در دیواره خود نقاشی‌های زیبایی از عصر حجر دارد و غارهای همیان و میرملاس در کوه‌دشت دارای نقوش صخره‌ای از گوزن و شکارچی و اسب است (Madhoshi and Naseripour, 2003: 25-58).



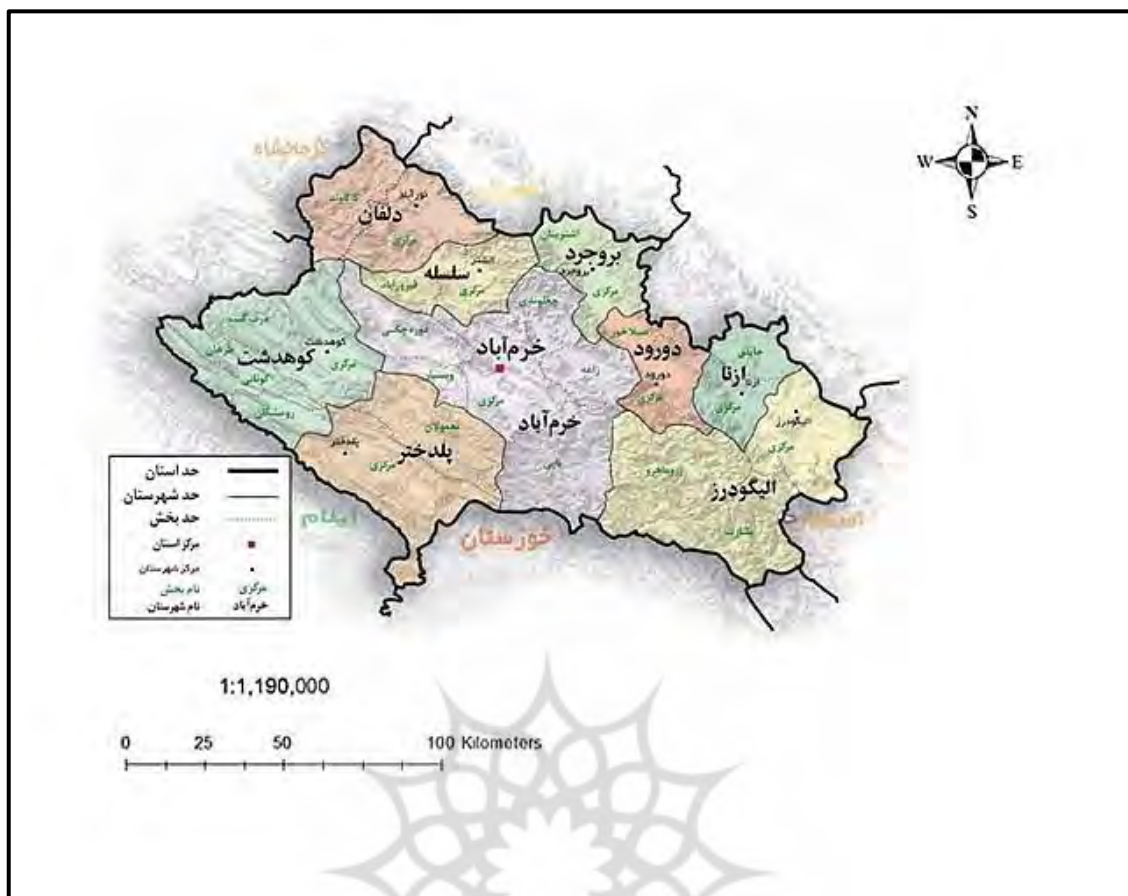
نقشه شماره ۱- نمای کلی استان لرستان Source: authors

استان لرستان در غرب ایران، بین ۴۶ درجه و ۵۱ دقیقه تا ۵۰ درجه و ۳ دقیقه طول شرق از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۲ درجه و ۳۷ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۲۲ دقیقه عرض شمال از خط استوا قرار گرفته و وسعت آن حدود ۲۸۵۵۹ کیلومتر مربع است. اشتران کوه با ۴۰۵۰ متر ارتفاع بلندترین نقطه استان لرستان است. پست‌ترین نقطه آن در جنوب‌ترین ناحیه استان واقع شده و حدود ۵۰۰ متر از سطح دریای آزاد ارتفاع دارد. بر اساس آخرین تقسیمات کشوری در سال ۱۳۷۵، استان لرستان دارای ۹ شهرستان، ۱۰ شهر، ۲۰ بخش، ۸۱ دهستان و ۲۸۴۲ آبادی دارای سکنه بوده و مرکز آن شهر خرم‌آباد است (Mehregan and Nazariyan, 2011: 14).



نقشه شماره ۲- موقعیت استان لرستان در نقشه ایران

Source: authors



نقشه شماره ۳- تقسیمات داخلی و سیاسی استان لرستان

Source: authors

۱-۵- اقلیم استان لرستان

استان لرستان دارای آب‌وهوای متنوعی است، این تنوع از شمال به جنوب و از شرق به غرب کاملاً محسوس است. زمستان هنگامی که در شمال لرستان برف و کولاک ادامه دارد قسمت‌های جنوبی آن دارای هوایی مطبوع و بارانی است. بخش‌های غربی مانند سفید کوه نسبت به قسمت‌های شرقی، یعنی دورود و الیگودرز، نزولات جوی بیشتری دارد.

تنوع آب‌وهوایی در شهرهای استان مشاهده می‌شود به طوری که خرم‌آباد از اعتدال زمستانی و گرمای تابستانی، بروجرد از سرمای زمستانی و اعتدال تابستانی و الیگودرز از آب‌وهوای بسیار سرد در زمستان و معتدل در تابستان برخوردار است. علل تنوع آب‌وهوای لرستان عبارت‌اند از:

۱- موقعیت رشته‌کوه‌های زاگرس نسبت به جهت وزش بادهای مرطوب غربی

۲- ارتفاع نسبتاً زیاد این منطقه از سطح دریا

۳- فشردگی کوه‌ها

۴- واقع شدن در عرض جغرافیایی متوسط

۵- اثر بادهای گرم جنوبی ایران به طوری که اختلاف بین حداکثر و حداقل مطلق دما به بیش از ۰۸ درجه سانتیگراد رسیده است. حداکثر دمای ثبت شده ۴/۴۷ و حداقل دمای مطلق ثبت شده ۵۳- است. به طور کلی در استان لرستان سه ناحیه مشخص آب‌وهوایی دیده می‌شود:

۱- ناحیه سرد کوهستانی، که زمستان‌های پر برف و بسیار سرد و تابستان‌های معتدل دارد. این ناحیه در قسمت‌های شمال و شمال غربی و مشرق لرستان قرار دارد. تعداد روزهای یخبندان در برخی از نقاط این ناحیه به بیش از ۷۰ روز می‌رسد. در این ناحیه با ریزش اولین برف، زمستان طولانی شروع می‌شود و فصل بهار و پاییز در این ناحیه کوتاه است. مناطق بروجرد، دورود، ازنا، الیگودرز، نورآباد و الشتر که بیش از ۱۴۰۰ متر ارتفاع دارند دارای این آب و هوا هستند (Lashanizand et al., 2011: 89 106).

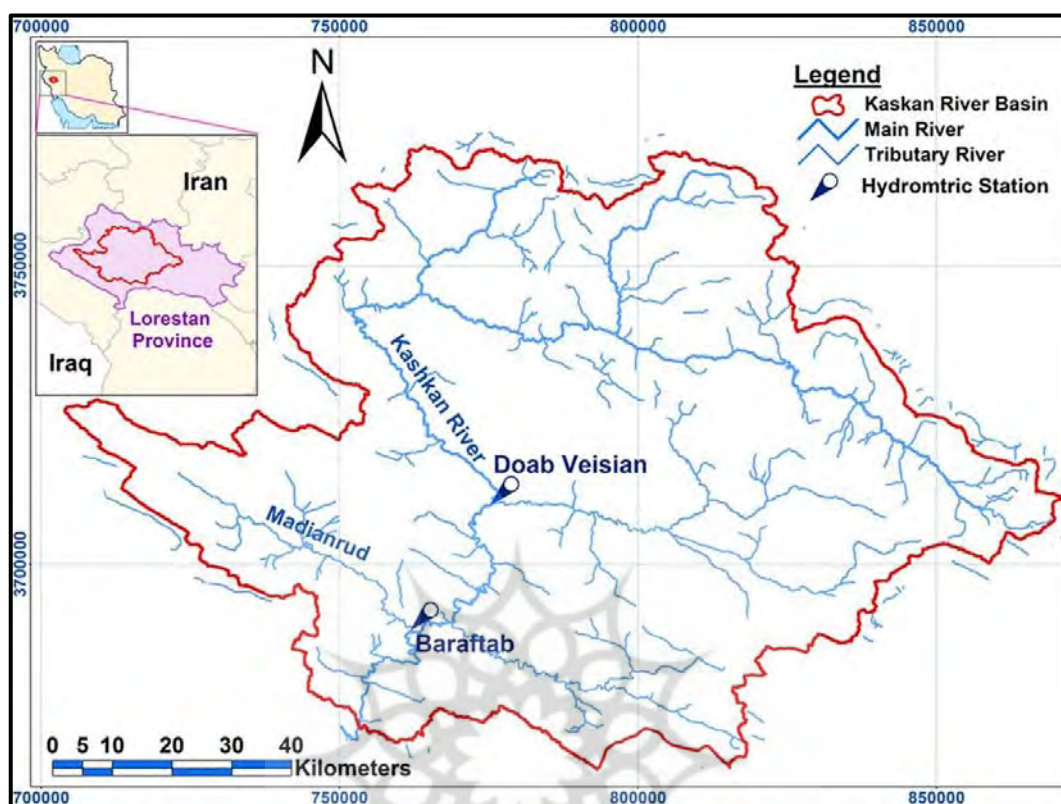
۲- ناحیه معتدل مرکزی، که حد واسط ناحیه کوهستانی شمال و شمال شرق و ناحیه پست جنوبی استان است. به علت ارتفاع کمتر ریزش‌های جوی زمستانی و بهاره آن به صورت باران بوده و به ندرت یخبندان روی می‌دهد. بهار در این ناحیه از اوایل اسفند شروع شده و در اردیبهشت ماه به علت افزایش گرما، تابستان زودتر شروع می‌گردد. خرم‌آباد و اطراف آن دارای این نوع آب و هوا است.

۳- ناحیه گرم جنوبی استان که حداقل ارتفاع را داراست، به علت تأثیر بادهای گرم خوزستان و کم بودن عرض جغرافیایی و نبودن ارتفاعات بلند حداکثر دما را در تابستان دارا است. مقدار باران در این ناحیه به حداقل خود می‌رسد. پلدختر و پاپی دارای این نوع آب و هوا است که فصل برداشت محصولات کشاورزی آن چند ماه زودتر از سایر نواحی استان شروع می‌شود. میزان بارش سالانه در استان لرستان به طور متوسط بین ۴۰۰ تا ۴۵۰ میلی متر در نوسان است. استان لرستان به لحاظ اقلیم و هواشناسی یک استان چهار فصل است. هنگامی که در فصل زمستان شمال لرستان را برف و کولاک و سرمای شدید در بر می‌گیرد قسمت‌های جنوبی آن از هوای مطبوع و بارانی برخوردار است و هنگامی که نواحی جنوبی آن دارای هوای گرم است نواحی شمال استان از آب‌وهوای معتدل برخوردارند. خرم‌آباد دارای زمستانی معتدل و تابستان گرم است و بروجرد زمستانی سرد و تابستانی معتدل دارد. الیگودرز، نورآباد، الشتر نیز دارای زمستان‌های سرد و تابستان‌های معتدل است (Hasanvand et al., 2011: 121-143).

۵-۲- اقتصاد لرستان

لرستان با تولید سالانه حدود ۳ میلیون تن انواع محصول زراعی، باغی، دامی و شیلات، وجود بیش از ۶ میلیون واحد دامی ۸۰۰ هزار هکتار اراضی قابل کشت و ۲۳ دشت مرغوب و حاصل خیز یکی از قطب‌های کشاورزی و دام‌پروری در کشور محسوب می‌شود. این استان همچنین در زمینه تولید آبزیان به ویژه ماهیان سرد آبی با تولید سالانه حدود ۱۵ هزار و ۵۰۰ تن ماهی در بین استان‌های غیر ساحلی کشور رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. در بخش صنعت نیز لرستان با قرار گرفتن در بخش چین خورده زاگرس دارای ظرفیت‌های مناسب معدنی است، به طوری که از ۶۴ ماده معدنی شناخته شده در کشور ۲۶ نوع در این استان شناسایی و ۱۸ نوع آن استخراج می‌شود قبل از تحریم‌های غرب علیه کشورمان ۲۸ درصد اشتغال صنعتی در لرستان مربوط به صنعت سنگ بود و

در این حوزه حدود ۱۲ هزار نفر مستقیم و غیرمستقیم مشغول فعالیت بودند که رقم قابل توجهی است (Saadatmehr, 2005: 73-104).



نقشه شماره ۴- نقشه اقلیم استان لرستان
Source: Lorestan Governor

۶- مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران

بر اساس تحلیل مقاله پیش رو اقتصاد ایران را باید طوری ساماندهی و برنامه‌ریزی کرد که در آن هر استانی به صورت یکی از اجزای اقتصاد شبکه‌ای عمل کنند. استان‌های کشور هر کدام دارای پتانسیل‌ها و توانایی‌هایی بی‌نظیری در زمینه اقتصاد هستند و می‌توانند با تعامل و ارتباط دو سویه با استان‌های دیگر شبکه‌ای را به وجود آورند که در آن معیار توسعه اقتصادی و پیشرفت هر استانی را ارتباط بیشتر و بیشتر با دیگر استان‌ها تعیین می‌کند و هر استانی که ارتباط ضعیف‌تری داشته باشد حاشیه‌نشین می‌شود و طبیعتاً از پیشرفت باز می‌ماند و نمی‌تواند بازده اقتصادی مناسبی داشته باشد؛ اما بایستی توجه داشت که رسیدن به مدل اقتصاد شبکه‌ای در ایران نیازمند برطرف کردن معضلات زیر است:

۶-۱- کوچک و کارآمد شدن دولت

دو دیدگاه کلی درباره اثر اندازه دولت بر رشد اقتصادی در میان اقتصاددانان وجود دارد. طبق نظر یک گروه از اقتصاددانان، احتمال می‌رود اندازه دولت بزرگ‌تر به واسطه ناکارایی‌های موجود در ذات دولت، رشد اقتصادی را کاهش دهد. گروه دیگر، نقش مهمی را برای دولت در فرآیند رشد اقتصادی تصویر می‌کنند. طبق نظر اخیر، دولت نقش مهمی را در رفع تضادها و تقابلهای موجود بین منافع خصوصی و اجتماعی ایفا می‌کند. دولت کالاهای عمومی شبیه حمل‌ونقل، ارتباطات و زیرساخت‌ها را ارائه می‌کند و برای حذف یا تنظیم آثار خارجی منفی از قدرت

و اختیار لازم برخوردار است؛ بنابراین احتمال می‌رود دولت بزرگ‌تر رشد اقتصادی را تسریع کند (Mirzaee, 1994: 19 to 20).

نتایج مطالعات تجربی، هر دو دیدگاه رقیب را مورد تأیید قرار می‌دهد. برای مثال، گیمل، لانداری، ساندرز، فالوی و گیمل، باروف رومر، الکساندر، ایسترلی و روبلو، گوسه، تانین، فاستر و هنرکسونو دار و امیر خلخالی نتیجه گرفته‌اند که دولت بزرگ‌تر اثر زیانباری بر رشد اقتصادی دارد که در این میان افرادی مانند بارو (۱۹۹۱ میلادی) این نتیجه را در قابل یک رابطه غیرخطی میان اندازه دولت و رشد اقتصادی نشان دادند، در حالی که در مطالعات دیگری مانند رایبسون، رام، گرمسن، هلمس و هاتن، لوین و رینلت، کاراس و قالی نتیجه گرفته‌اند که دولت تسریع کننده رشد اقتصادی است (Yazdani Boroujeni, 2000: 26-27).

اندازه دولت در اقتصاد ایران، طی چند دهه اخیر، متأثر از افزایش قیمت جهانی نفت، انقلاب، جنگ، بازسازی پس از جنگ و رشد قیمت‌ها دستخوش نوساناتی بوده است. به خصوص وابستگی منابع مالی دولت به درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام در این دوره تأثیر مستقیمی بر ایجاد ساختار دولتی اقتصاد و گسترش اندازه دولت داشته است. هم‌زمان نوسانات یا تکانه‌های جهانی قیمت نفت نیز اسباب بی‌ثباتی اقتصاد و تشدید مداخلات دولت در اقتصاد ایران را فراهم نموده است.

۲-۶- مردمی شدن اقتصاد

همچنان که «قانون بد» بهتر از «بی‌قانونی» است، «دولت تنبل» بهتر از «بخش خصوصی ضعیف» است. در تبلیغات و در اجتماع این‌گونه القا شده که دولت هر چه زودتر و سریع‌تر شرکت‌ها و بنگاه‌ها را واگذار کند و خصوصی‌سازی انجام بگیرد زودتر به رشد و توسعه دست خواهیم یافت. از مردمی کردن اقتصاد، «افزایش نقش‌آفرینی عموم مردم در تولید و سرمایه‌گذاری و صادرات» استنباط می‌شود. یعنی اقشار و افرادی که قابلیت نقش‌آفرینی اقتصادی دارند اما نقش چندانی ایفا نمی‌کنند، وارد کسب‌وکار شوند. برای بالا بردن مشارکت مردمی باید از هر نوع فعالیت اقتصادی مردمی استقبال کرد. فضایی باید بر کشور و جامعه حاکم گردد که همه مردم خودشان را مولد در اقتصاد و شریک در پیشرفت و مقاومت کشور، حس کنند و بر آن ببالند. در نظریه‌های اقتصادی نقش مردم به عنوان مصرف کنندگان کالاها بسیار حائز اهمیت است (Azad armaki, 2003: 195-205).

۳-۶- دانش بنیان شدن اقتصاد

اقتصاد دانش بنیان به روش تولیدی گفته می‌شود که در آن از دانش برای ایجاد ارزش افزوده محسوس یا غیر محسوس استفاده می‌شود. فناوری و به خصوص فناوری‌های دانش بنیان کمی، برای تبدیل بخشی از دانش آدمی به ماشین‌آلات محسوب می‌شوند. این دانش می‌تواند توسط دستگاه‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری در زمینه‌های مختلف اقتصادی برای ایجاد ارزش افزوده استفاده شود. باوجود رشد و پیشرفت علمی ایران در سال‌های اخیر و در راستای آن ایجاد پارک‌های علمی و فناوری، مراکز رشد و مراکز کارآفرینی در دانشگاه‌ها، تأسیس بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی دانش‌بنیان و راه‌اندازی کسب‌وکارهای دانش‌بنیان در کشور، متأسفانه حرکت به سمت اقتصاد دانش‌بنیان شتاب مناسبی نداشته است. لذا می‌توان گفت با توجه اهمیت و نقشی که کسب و کارهای دانش‌بنیان در رشد اقتصادی کشورها،

به‌ویژه کشورهای پیشرفته دارند، در کشور ما هنوز به جایگاه واقعی و اساسی خود دست نیافته‌اند و باید جهت راه‌اندازی، توسعه و ترویج کسب‌وکارهای دانش‌بنیان تلاش جدی‌تری صورت گیرد و حمایت‌های لازم از ایجاد این گونه کسب‌وکارها جهت گسترش و رشد کمی و کیفی آن‌ها انجام شود تا کسب‌وکارهای دانش‌بنیان به جایگاه اصلی خود در بازار کار و اقتصاد راه یابند و نقش مطلوب خود را جهت رشد اقتصادی کشور ایفا نمایند (Behboudi and Amiri, 2010: 28).

۴-۶- توسعه زیرساخت‌های اقتصاد

رشد و پیشرفت هر جامعه‌ای به وجود زیرساخت‌های فیزیکی برای تولید و توزیع کالاها و خدمات، بین عامه مردم و بنگاه‌ها بستگی دارد، به طوری که قدرت اقتصاد ملی به توانایی و موجودی زیرساخت آن بستگی دارد و کیفیت و کارایی این زیرساخت‌ها بر تداوم فعالیت‌های تجاری و اقتصادی جامعه و کیفیت زندگی و سلامت اجتماعی مؤثر است.

بر اساس یکی از کامل‌ترین تعریف‌ها، زیرساخت برای دارایی‌های بلندمدت تحت مالکیت دولت به صورت زیر ارائه شده است: زیرساخت هر کشوری، مجموعه تسهیلات عمومی، با سرمایه‌گذاری خصوصی یا عمومی است که امکان ارائه خدمات ضروری و استاندارد زندگی را فراهم می‌کند. این مجموعه از تسهیلات عمومی مرتبط به یکدیگر که امکانات جابه‌جایی و حمل‌ونقل، تأمین امنیت و سرپناه، ارائه خدمات و برقراری خدمات رفاهی را میسر می‌کنند، عبارت‌اند از مجموعه بزرگراه‌ها، پل‌ها، راه‌آهن‌ها و جاده‌های حمل‌کالا و در عین حال، شبکه فاضلاب، سیستم آبرسانی و مخازن تأمین آب را هم شامل می‌شوند و نیز شامل سدها، آب‌بندها، راه‌های آبی و بنادر هم هستند. همچنان که مراکز تولید برق، گاز و نیرو را نیز در بر می‌گیرند (احمدی شادمهری و داودی، ۱۳۹۴: ۱۶).

۵-۶- شبکه‌های بازاریابی استانی

بازاریابی شبکه‌ای یا بازاریابی چند سطحی نوعی شیوه فروش است که در آن کمپانی‌ها محصولات و کالاهای خود را بدون تبلیغات و بدون واسطه به فروش می‌رسانند و مشتریان پس از خرید در صورت تمایل می‌توانند محصولات کمپانی را بازاریابی کنند و سود بگیرند. درآمد در بازاریابی شبکه‌ای هم در ازای فروش مستقیم کالا و هم در ازای فروش از طریق زیرمجموعه کسب می‌شود. وضعیت اقتصادی کشورمان در استان‌ها نشانی می‌دهد که مهم‌ترین مشکل تولید نداشتن بازار برای فروش است و اغلب محصولات تولیدی استان‌ها به دلیل عدم بازاریابی درست اصلاً ممکن است به فروش نرفته و تبدیل به ضایعات و زباله شوند. کی از مشکلاتی که بازاریابی سنتی با آن دست به‌گریبان است مسئله عدم توجه مردم به تبلیغات و محصول جدید است. از هر ده محصول جدیدی که به بازار معرفی می‌شود فقط یکی به سودآوری می‌رسد. عموم افراد به تبلیغات محیطی و پیرامونی اطراف خود توجهی ندارند و اکثر مردم نیز خرید خود را بر اساس توصیه‌های دوستان و آشنایانی که از آن محصول راضی بوده‌اند انجام می‌دهند. بازاریابی شبکه‌ای قصد دارد با بهره‌برداری حداکثری از بازاریابی دهانی، بدون استفاده از تبلیغات گسترده محصولات شرکت را به فروش برساند (khoramshahi, 2010: 6).

- نتیجه‌گیری و راهبرد علمی پژوهشی

به تعبیر کاستلز ما در دهکده جهانی آن‌گونه که «مک لوهان»^۱ بدان اشاره نموده بود، زندگی نمی‌کنیم؛ بلکه در کلبه‌هایی فراخور هر منطقه زندگی می‌کنیم که در سطحی جهانی تولید و در محدوده محلی توزیع شده‌اند. دهکده «مک لوهان» دنیای ارتباط یک سویه بود، نه ارتباط متقابل. جهان وی امتداد منطق صنعتی و تولید انبوه در قلمرو نهادها بود و هنوز نیز هست؛ ولی به نظر کاستلز این جهان به رغم نبوغ «مک لوهان» چندان توفیقی در بیان فرهنگ عصر اطلاعات ندارد.

مانوئل کاستلز در اثر خود در مقام تشریح «ظهور جامعه شبکه‌ای» به مفهوم «اقتصاد اطلاعاتی» اشاره و تصریح می‌کند. در اقتصاد اطلاعاتی، بهره‌وری و رقابت میان شرکت‌ها و بنگاه‌های تجاری، مناطق و حوزه‌های اقتصادی و کشورها، بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، اطلاعات و فناوری لازم برای پردازش این اطلاعات از جمله تکنولوژی مدیریت و مدیریت تکنولوژی تکیه دارد. او در عین حال تأکید می‌کند؛ این نوع از اقتصاد فراصنعتی در مقایسه با اقتصاد دوران صنعتی، اگر با وضع مقررات و قوانین مقید و محدود نشود، از قابلیت طرد و دفع و به حاشیه راندن بیشتری برخوردار است. این استاد دانشگاه برکلی در گزاره دوم خود به تفاوت بین اقتصاد جهانی^۲ و اقتصاد جهان^۳ پرداخته و می‌نویسد: پدیده دوم به معنای مبادلات تجاری در سطح جهانی، قرن‌هاست که در جریان است و امر تازه‌ای نیست اما اقتصاد جهانی در مقام یک واقعیت جهانی نو در درونی‌ترین هسته‌های شکل‌دهنده خود دربرگیرنده فعالیت‌های استراتژیک است که قادرند در مقام یک واحد به هم وابسته، انواع کار و تکاپوی اقتصادی را در تراز جهانی و مقیاس سیاره‌ای در زمان واقعی به مورد اجرا درآورند.

اقتصادهای ملی، منطقه‌ای و محلی در نهایت متکی به دینامیسم این نوع اقتصاد جهانی هستند و از طریق شبکه‌های اطلاعاتی و بازارها به آن وابسته‌اند. این اقتصاد جهانی است که آثار و عوارض و محصولات آن در سراسر کره زمین پدیدار است اما همه بخش‌های این زمین در اقتصاد مشارکت ندارند و بخش چشمگیری از جمعیت ساکن در زمین از دایره فعالیت‌ها و عملکردهای اقتصاد جهانی بیرون خواهند ماند چراکه خصلت این اقتصاد به‌گونه‌ای است که بخش‌ها، بازارها و افراد غنی را به یکدیگر پیوند می‌دهد و در یک چرخه تولید - سود به همکاری وامی‌دارد و بخش‌ها، بازارها و افراد فاقد امکانات را از محدوده عملکردهای سودآور خود دور می‌کند. فعالیت اقتصادی شبکه‌ای به عنوان مشخصه فعالیت اقتصادی جهانی به باور کاستلز، نوع تازه‌ای از سازمان و تشکیلات است که به تدریج منطق خاص خود را گسترش می‌دهد و بر دیگر سازمان‌ها و تشکیلات سلطه پیدا می‌کند که شامل بخش‌هایی از شرکت‌ها و مؤسسات و بنگاه‌های مختلف بوده و یا از رهگذر تقسیمات درونی در یک بنگاه بزرگ پدید می‌آید و نمونه‌هایی از این شبکه‌ها، شرکت‌های چندملیتی، اتحاد استراتژیک میان مؤسسات بزرگ و شبکه فعالیت‌های اقتصادی و تجاری، ارتباطات میان بنگاه‌های خصوصی و حتی شبکه‌های تولید و توزیع مواد مخدر و کالاهای قاچاق و شبکه‌های اقتصادی دولتی را شامل می‌شود. گزاره دیگری که در کتاب «عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ»

^۱. Marshall McLuhan

^۲. Global Economy

^۳. World Economy

معرفی می‌شود به «تحول در نحوه انجام کار و در ساختار اشتغال» می‌پردازد و از این جهت، روابط کاری که در گذشته در ساختارهای گسترده صنعتی یا اداری بین کارگر و کارفرما یا رئیس و مرئوس برقرار بود جای خود را به روابط به مراتب قابل انعطاف‌تر در محدوده‌های با حجم کوچک‌تر از حیث شمار، افراد تحت اشتغال داده و کارمندان و کارگران برخلاف گذشته قراردادهای استخدام مادام‌العمر امضا نمی‌کنند بلکه شیوه‌های خوداشتغالی، کار پاره وقت و اشتغال برای یک دوره موقت رواج می‌یابد. به این ترتیب شرکت‌های بزرگ در عین کاهش افراد تحت استخدام خود، به مقاطعه دادن پروژه‌ها و طرح‌ها به شرکت‌های کوچک‌تر روی می‌آورند که در این شرایط هرچند در میزان بیکاری، به طور کلی، تغییر محسوسی صورت نپذیرفته، اما نگرانی افراد از آینده شغلی خود و احساس بی‌اعتمادی نسبت به آینده، رشد می‌یابد. سرانجام این که کاستلز «ظهور قطب‌های متقابل» در آینده را یادآوری می‌کند که به گفته او فرایند جهانی‌شدن و شبکه‌ای شدن فعالیت‌های اقتصادی موجب قوت بخشیدن به تلاش‌های فردی و تضعیف نهادهای اجتماعی نظیر اتحادیه‌های کارگری و یا دولت رفاه می‌شود. این تحولات تقابل میان آن‌هایی که به اطلاعات دسترسی دارند و توان بهره‌مندی از آن را دارند و کسانی که چنین موقعیتی ندارند افزایش داده و در افراطی‌ترین شکل خود به ظهور گروه‌های بزرگ از افراد کاملاً به حاشیه رانده شده و طرد شده از جامعه اطلاعاتی منجر می‌شود.

به باور نویسنده کتاب یادشده جامعه شبکه‌ای علاوه بر مشخصه‌های فوق «شکل‌گیری فرهنگ واقعیتی مجازی» و «تأثیرپذیری فوق‌العاده سیاست از رسانه‌ها» و «از دست رفتن مفهوم زمان و مکان» را به عنوان شاخص‌های دیگر جامعه شبکه‌ای معرفی و تأکید می‌کند چنین جامعه‌ای در ساختار و کارکردهای غالب خود حول شبکه‌ها و جریان‌ها شکل می‌گیرد که نمود ظاهر آن سرمایه‌داری است اما این نوع سرمایه‌داری جدید به کلی با آنچه که در عصر تمدن صنعتی ظهور یافته تفاوت دارد. سرمایه‌داری دوران فراصنعتی متکی به نوعی سازوکار درونی است که مرزی و حدی را بر نمی‌تابد، از انعطاف زیادی برخوردار است و فزون خواه گسترش‌پذیر، بسط یابنده و در عین حال متکی بر منطق شبکه است. چشم‌اندازی که برای ۱۰ سال آینده ایران ترسیم شده است به گمان متأثر از تحولاتی است که در جهان با ورود تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات پدید آمده و بسیاری از ساختارهای دوران صنعتی را دگرگون ساخته است، از این رو پذیرش اثرات انکارناپذیر تحولات جهان کنونی بر اکنون و آینده ایران و تأمل در پیامدهای مثبت و منفی آن در نوع خود نقطه عطفی است که ذهنیت و افکار عمومی را به جای گذشته به آینده معطوف می‌دارد عدم درک نسبی جامع و فقدان استراتژی مشخص برای رویارویی با آینده به همان اندازه مخاطره‌آمیز خواهد بود که بی‌توجهی و نفی آینده ما را به حاشیه خواهد راند. از این جهت ایران برای پیوند با اقتصاد جهانی یا به عبارت کاستلز اقتصاد شبکه‌ای، با چالش‌ها و خلأهای جدی مواجه خواهد شد، چرا که ایران با ذهنیت اقتصاد کشاورزی، توأم با تجربه ناقص اقتصاد دوران صنعتی متکی بر درآمدهای نفتی پای به دوران اقتصاد متکی بر دانایی به تعبیر الوین تافلر و یا همان اقتصاد شبکه‌ای کاستلز می‌گذارد؛ آیا بستر لازم برای پرتاب شدن در مسیر آینده فراهم شده است؟ فرهنگ رفتار اقتصادی مردم ایران از جمله مواردی است که امکان حرکت برنامه‌ریزی در مسیر آینده را به آسانی نخواهد داد و امکان مقاومت در برابر تغییرات وجود دارد؛ اول کم اعتمادی فزاینده نسبت به برنامه‌ها و تصمیم‌گیری‌ها به دلیل آغشته بودن اقتصاد به حرکت‌های سیاسی و دیگر سلطه حداکثری دولت بر فعالیت‌های

اقتصادی. از این رو تفکرات اقتصادی ایرانیان به دلایل تاریخی گرایش به منافع شخصی، رانت طلبی، نزدیکی به مراکز قدرت، دوری از مشارکت فعال اقتصادی، کمتر ریسک‌پذیر و حرکت در جهت افزایش سرمایه از طریق مبادلات تجاری و سوداگری دارد؛ اما این یک روی سکه است.

در سال‌های اخیر به تدریج رشد مشاغل دوران فراصنعتی به ویژه در کلان شهرهایی نظیر تهران نشان می‌دهد که قشر نوظهوری از شهروندان عمدتاً جوان درصدد گام برداشتن بر مبنای اقتصاد آینده هستند. تنوع مشاغل خدماتی به ویژه مشاغل مرتبط با حوزه اطلاعات و ارتباطات، رشد فزاینده مشاغل پاره وقت و خانگی و... و گسترش ابعاد آن نشان می‌دهد تغییراتی در برخی اقشار جامعه در حال روی دادن است. فقدان ذهنیتی پیشرو و آینده‌نگر در حوزه‌های تصمیم‌گیری و مناقشه بر روی اصول بدیهی عرصه تکنولوژی اطلاعات با هدف نظارت و کنترل و شکاف بین بخش خصوصی و بخش دولتی از دیگر موانعی است که اقتصاد ایران با آن مواجه شده است. به طوری که در برخی مواقع «تفکرات تلگرافخانه‌ای» بر تحولات اطلاعات و ارتباطات باعث توقف و تأخیر در تصمیم‌گیری می‌شود، درحالی‌که جهان متوقف نمی‌شود. تفکرات تلگرافخانه‌ای معطوف به زمان پیدایش تلگرافخانه است که برخی حاکمان برای در اختیار داشتن کنترل اخبار و اطلاعات شهرها و مرزها سعی در کنترل و نظارت بر تلگرافخانه داشتند؛ اما جای امیدواری است اگر پیامدهای ظهور جامعه شبکه‌ای موجبات پویایی و رویارویی ذهنیت‌ها شود مشروط بر اینکه تقابل و تعامل افکار با مهار سیاست و گفتار سیاستمداران رنگ و انگ نپذیرد. اگر روح کلی پیش‌فرض اول کاستلز و همفکران او را بپذیریم که در اقتصاد اطلاعاتی بهره‌وری و رقابتی بیش از هر زمان دیگر به معرفت و دانش، اطلاعات و فن آوری لازم جهت پردازش اطلاعات بستگی دارد آنگاه نقد و پالایش نظری و عملی در ساختار اداری ایران یک اجبار خواهد بود و مقررات سخت و دست و پا گیر استخدامی و اداری در بلندمدت به زیان منافع ملی خواهد بود. اشاره به یک تجربه به نظر کفایت می‌کند. در حال حاضر اکثر وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت به راه اندازی شبکه‌ای روی اینترنت روی آورده‌اند که در چشم‌انداز اولیه مثبت ارزیابی می‌شود اما گذشته از برخی نواقص و مسائل فنی می‌توان به آسانی دریافت که محتوای اکثر آن‌ها متأثر از رویکرد ارتباطی افقی دوران بوروکراسی شدید است و آنچه قبلاً در بولتن‌ها و بروشورهای ادارات یافت می‌شد روی اینترنت قرار گرفته و کمتر رویکرد دولت الکترونیکی^۱ بر آن‌ها حاکم است که یکی از الزامات اقتصاد اطلاعاتی است. به واقع آنچه اکنون بر فضای رسانه‌ای ایران به‌ویژه در بخش دولتی در جریان است همگی بر پردازش و ارائه یک سویه اطلاعات تکیه دارد و همگی بر مبنای زمان و مکان به مفهوم گذشته آن فعالیت می‌کنند.

ضعف زیرساخت‌های لازم از یک سو و رویکرد فکری دوران صنعتی از سوی دیگر باعث شده تا مثلاً به جای کارگزاران ارتباطی طیف وسیعی از کارمندان ارتباطی رشد یابند که با ساعت کار مشخص و در مکان معین اشتغال دارند. وضع قوانین و مقررات محدودکننده در چنین شرایطی حتی برای ایجاد امنیت برای فقرا و ضعفای شبکه‌ای هم راهگشا نخواهد بود و از این رو مفهوم عدالت اجتماعی ماهیت فعلی خود را از دست داده و برای رهایی از

^۱. E-Government

شکاف احتمالی باید شهروندان را آموزش، قوانین و مقررات را انعطاف پذیر و دسترسی به اطلاعات را برای همگان یکسان و آزادانه ساخت. بر مبنای گزاره دیگری که آینده‌نگرها به آن اشاره می‌کنند، در قالب جهانی شدن و اقتصاد جهانی باید پذیرفت کسانی که در چرخه سودآوری نتوانند نقش آفرینی کنند و مجهز به امکانات و تجهیزات نباشند و از سطح دانش و دانایی کمتر برخوردار باشند به حاشیه رانده می‌شوند. به همین دلیل ایران نباید صرفاً بر مزیت‌های طبیعی خود از جمله منابع و ذخایر خویش تکیه کند. گسترش حوزه فعالیت و جذب و نگهداشت نخبگان فکری و کارآفرینان برای ورود به عرصه‌های اقتصادی که تا پیش از این در اختیار و سلطه دولت بود، می‌تواند علاوه بر کاستن از حجم و بعد ریسک پذیری، از انباشت مطالبات اقتصادی و حرکت در جهت اقتصاد ناسالم و حتی کتیف جلوگیری کند. جلوگیری از پراکندگی سرمایه‌های ملی و منطقه‌ای توأم با تنوع بخشیدن به فعالیت‌های اقتصادی دارای اولویت و مزیت باعث خواهد شد اقتصاد ایران کمتر با امواج ناخواسته جهانی به حاشیه رانده شود و در صورت آسیب‌پذیری یک بخش، بخش دیگر در کوران رقابت جهانی باقی خواهد ماند. علاوه بر این چرخه اقتصادی کشور باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی و ساماندهی شود که اولاً قدرت اتصال به شبکه‌های جهانی اقتصاد را بدون محدودیت زمان و مکان داشته باشد و ثانیاً قدرت انعطاف‌پذیری بالایی در حوزه تصمیم‌گیری در جهت ادغام‌ها و پیوند با شبکه‌های مایل به همکاری داشته باشند و صرفاً تسلیم خواست‌ها و مطالبات شرکت‌های برتر که روح و ماهیت آن‌ها سلطه‌پذیری و انحصاری شدن است، نشود. شاید انتقال قدرت تصمیم‌گیری در تصدی‌گری اقتصادی از حوزه‌های حاکمیتی با بدنه اجتماعی بتواند بسیاری از احتمالات و پیامدهایی که قدرت حاکمیت را مخدوش می‌سازد خنثی و یا حداقل کم اثر سازد. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و نگرانی‌ها از پیوند با اقتصاد جهانی تحولاتی است که در نحوه انجام کار و ساختار اشتغال جامعه‌ها روی می‌دهد. واقعیت این است که هدف اصلی کارفرمایان بالا بردن سطح بهره‌وری، کاهش هزینه‌ها و افزایش سود است و این از منطق اقتصاد ناشی می‌شود، بنابراین تمایل دارد برای رسیدن به این هدف هرگونه تغییر و تحولی را حتی به قیمت دست بردن در نظام اداری و استخدامی و ساختار اشتغال را متصل شود. اقتصاد ایران هم از این قاعده مستثنا نیست. بدون تأمل در نگرش‌های جزم‌اندیش طرفدار حقوق کارگر یا منافع کارفرما به نظر می‌رسد با ورود فن‌آوری اطلاعات به چرخه اقتصاد مفهوم کار به معنای دوران کشاورزی یا صنعتی دیگر موضوعیتی نداشته باشد، ماهیت اشتغال در عصر فراصنعتی به شدت تخصصی، موردی و پاره وقت و واگذاری به پیمانکاران و مقاطعه‌کاران شده و به طور کلی مشاغل منطبق با شبکه‌ای شدن اقتصاد آن‌هم در جهت روان کردن ارتباط و کاهش هزینه شکل می‌گیرد، لذا کارگران فردا قدرت خود را بر روی دانش و تخصص متمرکز می‌کنند و نه زور بازو. آن‌ها فرار و به شدت موقتی و دائم در رقابت با یکدیگرند. اتحاد آن‌ها برای حفظ منافع مشترک خویش مقطعی و شکننده خواهد بود و بسته به دوری و یا نزدیکی آن‌ها به اقتصاد شبکه‌ای و توان ماندن در درون شبکه اقدام اثرگذارند. تغییر مداوم قانون و مقررات مربوط به کار و کارگران در پاره‌ای جوامع به ویژه کشورهای پیشرفته هم در همین راستا صورت می‌گیرد و احتمال شکل‌گیری جهان چهارم متشکل از فقرای فردا که هیچ دسترسی و قدرتی برای ارتباط با اقتصاد شبکه‌ای ندارند، دغدغه اصلی آینده‌نگرهاست و طیف غالب جهان چهارمی‌ها که در همه جوامع هم یافت می‌شود از کارگران ایستا و غیرقابل انعطاف با تحولات آینده خواهد بود. شاکله اصلی قانون کار و ساختار اشتغال در ایران از اقتصاد دوران

کشاورزی و نیمه‌صنعتی است و به رغم توجهات ویژه به حقوق کارگری و احترام به کار در عمل هم امنیت اشتغال کارگران شاغل و هم احتمال اشتغال بیکاران را تهدید می‌کند و در صورت وضع قوانین و مقررات محدودکننده برای جلوگیری از آثار فزاینده اقتصاد جهانی، اقتصاد ملی را به چالش خطرناک می‌کشاند. راه برون‌رفت بسیار مشکل خواهد بود شاید تغییر ساختار اشتغال از بخش دولتی به بخش خصوصی، لغو قوانین الزام‌آور استخدام، سوق دادن رویکرد اشتغال به سمت اشتغال دوران اقتصاد متکی بر دانایی یک راه ناگزیر باشد. ایران می‌خواهد اقتصاد خود را با اقتصاد جهان پیوند بزند این خواست اگرچه قلبی نیست، عقلی هست اما هنوز نگرانی‌ها و دغدغه‌های فزاینده‌ای در پیش است.

اقتصاد صنعتی صرفاً به استفاده از منابع جدید انرژی برای تولید متکی نبوده، به ظهور فرهنگ صنعتی نیز وابسته است که ویژگی آن تقسیم‌کار جدید اجتماعی و فنی است و اقتصاد شبکه هم نیازمند و ایجاد کننده فرهنگ و نهادهای مختص خود است. باید توجه داشت که این فرهنگ، یک دست و بدون تفاوت نخواهد بود؛ بلکه مشخصه توسعه اقتصاد اطلاعاتی - جهانی همانا پدیدار شدن آن در زمینه‌های فرهنگی - ملی بسیار متفاوت خواهد بود و در آمریکای شمالی، در اروپای غربی، ژاپن، حلقه چین، روسیه و آمریکای لاتین و سایر کشورها تأثیر می‌گذارد و به ایجاد مبنایی چند فرهنگی منجر می‌شود.

با ورود سهم کارآفرینانی که وارد عرصه تولید می‌شوند و سهم افراد قابل اعتماد در جامعه، در تابع تولید، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رشد اقتصادی در سطح کلان را به لحاظ نظری بررسی کردند. در این الگو، فرض می‌شود تابع تولید کاب - داگلاس در توضیح الگوی ترکیب عوامل تولید در اقتصاد، معنی‌دار باشد. مطابق با مدل فرانکوئیس ارتقای فناوری (گذر از اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن) زمانی اتفاق می‌افتد که کارآفرینان وارد عرصه تولید شوند و طی همکاری با پیمانکاران قابل اعتماد به اجرای موفق پروژه‌های کارآفرینی بپردازند؛ به عبارت دیگر رشد فناوری تابعی است از سهم کارآفرینانی که وارد عرصه تولید می‌شوند.

در هر اقتصادی، فناوری تولید در شرایط اولیه یک فناوری سنتی است که به واسطه حضور کارآفرینان از دوره‌ای به دوره دیگر رشد می‌کند. چنانچه مطابق مدل فرانکوئیس^۱، عامل رشد فناوری را سهم کارآفرینانی بدانیم که وارد عرصه تولید می‌شوند، نرخ رشد فناوری با احتمال ورود کارآفرینان، قابل جایگزینی است. از طرف دیگر طرح‌های کارآفرینی، هنگامی به رشد فناوری می‌انجامد که در همکاری با پیمانکاران قابل اعتماد، اجرا شود. به عبارت دیگر هنگامی در اثر رشد فناوری کارآفرینی اجرا شدنی است که علاوه بر ورود کارآفرینان با احتمال و به‌کارگیری سرمایه‌های فیزیکی نیروی کار قابل اعتمادی را با عنوان پیمانکاران قابل اعتماد - افرادی که خود دارای ایده‌های کارآفرینی نیستند ولی با در اختیار قرار دادن قابلیت‌های خود در قالب نیروهای کاری ساده و ماهر، طرح‌های کارآفرینی را اجرایی می‌سازند - به کار گیرد. مطابق با مدل فرانکوئیس، پیمانکارانی موجب اجرایی شدن طرح‌های کارآفرینی می‌شوند که قابل اعتماد باشند و در هر دوره دارای سهمی برابر در جمعیت هستند.

^۱. Francois model

References

- Ahmadi Shadmehri, Mohammad Taher and Azadeh Davoudi (2015), the role of government spending on economic infrastructure - social and poverty reduction in Iran's strategic policies and macro-Journal, No.10
- Azad armaki, Taghi. (2003), essays on culture and art: how public participation in the Economic Journal spectrum (Sura October), No. 1
- Behboudi, Davoud and Behzad Amiri (2010), long-term relationship knowledge-based economy and economic growth in Iran, Journal of Science and Technology Policy, No. 4
- Pour Ahmad, Ahmad and Mujtaba Valibeigi Darvyshvand (2010), structural holes and black holes urban social network analysis to look at the Middle East, the Middle East Studies Quarterly, No. 63
- Pourmanafi, Abolfazl and Hassan Mofakhami shahrestani(2016), the role of geopolitical factors on the functioning of national authority (Case Study: Classical Geopolitics in the national power factors Islamic Republic of Iran), Journal of Science and Technology Frontier, No. 18
- Taghavi,Mahdi (2003), stagflation in the economy, Journal of Economic Research (University of Allameh Tabatabai), No. 9
- Coleman, Tobias (2008), what is e-business? - participation in the economy of a lattice, translation Minister Hamid Reza Zanjani, a quarterly business survey, No. 32
- Jahangard, Esfandiar (2007), network products network economy pricing models, Journal of Economics and Business New, No. 10 and 11
- Hasanvand, Abbas and Maryam Solymany tabar and Hojjattollah Yazdanpanah (2011), Spatial interpretation of climatic comfort of Lorestan province based on TCI, Journal of Spatial Planning (Geography), No. 1
- khorranshahi, Syed Ziauddin (2010), network marketing, the need for a community or social problems?, Journal of Chamber of Commerce, No. 41
- Semsar, Hamed and Mohammad Sadegh Semsar and Sedigheh Karimi (2015), social networking model to help achieve the new Islamic civilization, Islamic Studies, No.2
- Fallahzadeh, Massoud (2010), American Development, Journal Times, No. 95
- Fani, Zohre and Maryam Beyranvndzadeh and Akbar Soltanzadeh and Hekmat Amiri (2014), the balance of the province in urban system approach to land use, urban planning studies, No. 8
- Qavanloo Qajar,Mustafa (2015), social network analysis and network analysis software training Nvdayks L and Gfy, quarterly review of information and communication, No. 7
- Klantry kashy, Neda (2002), Iran: Iran's economic reform / World Bank Quarterly Economic Journal, No. 6
- Mohammadi Kangarani, Hanane and Taghi Shamekhi and Mahnaz Hossein Zadeh (2011), analyzing the network of formal and informal relationships between organizational approach using network analysis - case study: Kohgiluyeh and Boyer-Ahmad, Journal of Public Administration (Tehran University) No. 6
- Madad Pour, Mohammad (2004), a network of community look at two contemporary thinkers: Manuel Kastlvkvyn general, Quarterly Monthly Overview, No. 79 and 80
- Mehregan, Mansooreh and Asghar Nazarian (2011), the ranking of economic services - Social city of the province and organize it using Scalogram model, Journal of preparation environment, No. 12
- Mirzaee, Majid (1994), Small and efficient, not big and bad, Quarterly Report, No. 48.
- Naderi, Mojgan and esfndyar jahangrd and Hassan Taei (2012), analysis of factors affecting the total factor productivity in the economy intersectoral approach, a Journal of Commerce, No. 63
- Nastaran, Mahin and Waheed Qasemi and sadeq Hadizadeh Zargar (2013), evaluation of social sustainability using Shbkh analysis process (ANP), Journal of Applied Sociology, No. 51
- Nasiri, Ismaeel and Ali Ahmadi (2014) analyze the effects of commercial tourism development on the physical-spatial changes by using analytic network process ANP case study cities: Baneh, Quarterly geographical territory, No. 43
- Yazdani Boroujeni, Fardin (2000), or at least of its efficient administration, Social Science Quarterly Monthly, No. 34 and 35.